

« آثار اسلامیہ و ملیہ تدقیق انجمنی » طرفندہ ایکی آبدہ بر نشر ایدیلیر

ایکینچی جلد

اسلام مدینتہ و نورک حرثہ عائد

ملی تبعا بر مجموعی

دین، اخلاق، حقوق، اقتصاد، لسانیات، بدیعیات، قیات، بنیہ اجتماعیہ تفتاتی

مدیر :

کویریلی زاده محمد فؤاد

استانبول دارالفتونی «تورک ادبیاتی تاریخی» معلمی
« آثار اسلامیہ و ملیہ تدقیق انجمنی » کاتب عمومیس

استانبول — مطبعہ عامره

۱۳۳۱

ملی بنابر مجموعی

صافی : ۴

ایول — تشرین اول ۱۳۳۱

جلد : ۲

حدیث اربعین ترجمہ لری

عثمانیلرک اورتہ آسیا ایله ایلاک تاسلری «۸۰۴» ده «چوق اووه» ده قانلی برملحه ایله وقوعه کلمشدی . اوندن بر عصر صوکرا او خصومت اورتادن قالدش ، یرینه ، سیاسی مناسبتلردن زیاده ادبی برمبادله باشلامشدر . « فاتح سلطان محمدخان » ایله « ملاجی » نك مخبره سی ، هراتده « حبیب یقرا » ندماسی ایله فاتح شعراسنك مشاعره سی ، اومسعود عصرک اك سعادت بخش خاطره لرنندور . بومسئله حقنده کوپرلی زاده فؤاد بك افندی مهم برتدقیقنامه حاضرلامقده درلر . بومبادله ادبیه تا « نابی » و « منیف » دورلرینه قدر تمادی ایتشدر . بونك اك کوزهل دلیلی ایسه « ملاجی » نك فارسی اوله رق وجوده کتیردیکی قرق حدیثی « علی شیر نوائی » نك شرق تورکجه سنه چویرمه سی و بونی ده « نابی » و « منیف » اك عثمانلیجه یه نقل ایتهلریدر . شومبادله ادبیه ده اولا وسطی آسیا ادیلری تقدم ایتکده لرایکن ، مرور زمان ایله شرقده ادبیاتك انحطاطی و عثمانلی ایاتك تعالی ایتمه سی حسیله ، عثمانلی ادیلرندن « ویسی » و « ترکی » شرقده نمونه اتخا ایدیلش ، و بونده ده ، اون اوچنچی عصر ادباسندن مشهور « فردوس اقبال » مؤلفی « مونس خوارزمی » موفق اولمشدر . شونشر ایلدیکمز رساله لر عین موضوع اوزرینه یازیلد قلری جهته ، تورک لسانی تاریخك او دورده کی حالی حقنده مهم برر وثیقه تشکیل ایتکده درلر .

نجیب عاصم

« جای » نك ترجمه سی

صحیح ترین حدیثی که راویان مجالس دین و محدثان مدارس یقین املا کنند حمد داناییست که کلمات تامه جامعه بر زبان معجز بیان جیب خود گذرانیده ، و آنرا تالی کلام کامل و خطاب شامل خود گردانیده ، و بتقل رواة ثقة بعد ثقة بکوش محرومان از سعادت صحبت وی رسانیده ، و بنور علم بآن و عمل بموجب علم از ظلمات ظلمت ضلالتشان رهانیده ، صلی الله علیه و آله و اصحابه نقلت علومه و حفظت آدابہ . اما بعد این چهل گله است ازان کلمات که سهولت فهم و حفظ را بنظم فارسی ترجمه کرده می آید ، امید واری آن است که ناظم مترجم امروز در شرط « من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً یتعفون به » داخل شود و فردا بسعادت جزاء « بعث الله یوم القيمة فقیهاً علماً » واصل و من الله مکنون المکنون العصمة والعون .

بسم الله الرحمن الرحيم

لایؤمن احدکم حتی یحب لایه ما یحب لنفسه
 هرکسی را لقب مکن مؤمن کرچه از سعی جان و تن گاهد
 تا نخواهد برادر خود را آنچه از بهر خویشان خواهد

من اعطی الله ومنع الله واحب الله وابغض الله فقد استکمل ایمانه
 هرکه در حب و بغض و منع عطا نبودش ذل بغیر حق مایل
 نقد ایمان خویش را یابد بر محک قبول حق کامل

المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده
 مسلم آن بود بقول رسول کرچه عامی بود و کر عالم
 که بهر جا بود مسلمانی باشد از قول و فعل او سالم

خصلتان لا یجتمعان فی مؤمن البخل وسوء الخلق
 بذل کن مال و خوی نیکو وزر راه ایمان اگر همی پویی
 زانکه در هیچ مؤمنی باهم نشود جمع بخل و بد خویی

یشیب ابن آدم ویشب فیه خصلتان الحرص وطول الامل
 آدمی را بپیری افزاید هر زمان در بنای عمر خلل
 لیک دروی جوان شود دو صفت حرص بر جمع مال و طول امل

من لم یشکر الناس لم یشکر الله
 بتو نعمت زدست هر که رسد نه بمیدان شکر کو پی پای
 که بشکر خدا قیام کند تارک شکر بندگان خدای

من لا یرحم الناس لا یرحمه الله
 رحم کن رحم زانکه بر رخ تو در رحمت جز از تو نکشاید
 تا تو بر دیگران بخشایی ارحم الرحمن بخشاید

الدنیا ملعونة وملعون مافیه الا ذکر الله تعالی
 هدف لعنت خدای آمد دنیا و هرچه هست در دنیا
 غیر ذکر خدا که صاحب ذکر در دو عالم برحمت است اولی

لعن عبد الدینار لعن عبد الدرهم

هرچه هست آفتاب رحمت حق شامل ذره ذره عالم
باد ازان دور بنده دینار باد ازان دور بنده درهم

لا یلدغ المؤمن فی حجر واحد مرتین

دیگر از وی مدار چشم وفا هر که شد باتو در جفا کستخ
زانکه هرگز دوباره مؤمن را نکزد مار از یکی سوراخ

العدة دین

مرد را هرچه بگذرد بزبان عیب باشد و رای آن کردن
و عده در ذمت کرم قرض است فرض باشد ادای آن کردن

المجالس بالامانة

ای شده محرم مجالس راز راز هر مجلسی امانت است
مکن افشای راز مجلس کس زانکه افشای آن خیانت است

المستشار مؤتمن

هر که در مشورت امین تو شد کرچه باشد امان روی زمین
چون نهان دارد آنچه مصلحت است خائش خوان بحکم دین آیین

السماح رباح

سود اگر بایدت ز مایه خویش دست بخشش کیشای و بخشایش
سودت اکنون ستایش و فردا در جوار خدای آسایش

الدین شین الدین

نکشد بهر مال دنیا رنج هر که خواهد کمال بهره دین
بهره دین مکن بناخن دین تا نکاهد جمال بهره دین

القناعة مال لا ینفد

صاحب حرص را ز خوان کرم فیض احسان می رسد هرگز
بقناعت کرای کان مالیست که پایان می رسد هرگز

آفة السباح المن

کی بنعمت شود کسی دل کرم چون ز نعمت کنند دم سردی
غیر باد خزان منت نیست آفت روضه جوان مردی

الصبة تمنع الرزق

ای کمر بسته کسب روزی را صبح خیزی دلیل فیروزیست
بهر خواب صباح چشم مبد زانکه آن خواب مانع روزیست

السعيد من وعظ بغيره

نیک بخت آنکسی که می نبرد رشک بر نیک بختی دیگران
سختی روزگار نادیده پند گیرد ز سختی دیگران

کفی بالمرء ائماً ان يحدث بكل ما سمع

مرد را بس همین کنه که قدم از مقر امان نهد بیرون
هرچه آید درون روزن کوش از ممر زبان دهد بیرون

کفی بالموت واعظاً

چند گیری بمجلس واعظ پای منبر پی گرفتن بند
وعظ تو بس بمرك همسایه نعره نوحه کر بسانک بلند

خير الناس انفعهم للناس

ای که پرسی که بهترین کس کیست کویم از قول بهترین کسان
بهترین کس کسی بود که ز خلق پیش باشد بخلق نفع رسان

ان الله يحب السهل الطلق

تا خدا دوست کردت با خلق یکدل و یکزبان و یکرو باش
شاد طبع و شکفته خاطر ذی نرم خوی و کشاده ابرو باش

تهادوا تحابوا

دوستی مغز و پوست دشمنیست تا کی از مغز سوی پوست شوید
هدایا کنید داد و ستد تا هم از ان وسیله دوست شوید

اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه

بر در خوب روی منزل گیر چون پی حاجتی بیرون آیی
تا ازل بیشتر که حاجت تو دهد از دیدنش بیاسایی

زرغباً تردد حباً

دیدن دوست دوست را که که چهره دوستی بیار آید
ز اتفاق دوام صحبت شان شوق کاهد ملالت افزاید

طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس

ای خوش آن کس بعیب بینی خویش پیشوای هنرو را ن کردد
عیب او پیش دیده دل او پرده عیب دیگران کردد

الغنی الیأس مما فی ایدی الناس

کر دلت را توانگری باید که توانگر دلی نیکو هنریست
باز کش دست از همه چیز که بدست تصرف دیگر نیست

من حسن اسلام المرء ترك ما لا یغنیه

تا شود در جهان علم و عمل شاهدی دین تو جمال افزای
زانکه درخور نیفتدت بازیست ز آنچه لایق بنا شدت بازی

لیس الشدید بالصرعة اما الشدید الذی یملك نفسه عند الغضب

پهلوان نیست آنکه در کشتی پهلوان دیگر بیندازد
پهلوان آن بود که کاه غضب نفس اماره را زبون سازد

لیس الغنی عن کثرة العرض اما الغنی غنی النفس

نه توانگر کمی بود که بمارل کار پرداز و چاره ساز شود
آن بود کز شهود فضل خدای از زر و مال بی نیاز شود

العلم لایحل منعه

ای کران مایه مرد دانشور که ترا علم و دین بود معلوم
مستعد را ازان مشو مانع مستحق را ازان مکن محروم

الحزم سوء الظن

حزم مرد آن بود که در همه وقت در حق خلق بد گمان باشد
در همه کار احتیاط کند تا زهد کید در امان باشد

الكلمة الطيبة صدقة

سخن نرم گوی با سائل کر ز مالش نمی دهی نفقه
زنانکه در روی اهل حاجت هست قول خوش از مقوله صدقه

كثرة الضحك تيمت القلب

خرم آن کس که بهر زنده دلی زیر لب خنده را بپیراند
خنده کم کن که خنده بسیار صد دل زنده را بپیراند

الجنة تحت اقدام الامهات

سر ز مادر مکش که تاج شرف کردی از راه مادران باشد
تخاک شو زیر پای او که بهشت در قدم کاه مادران باشد

البلاء مؤکل بالمنطق

هر که شد مبتلا به پر کویی به بلایی عجب گرفتار است
هر بلایی که میرسد بکسان بیشتر از عمر گرفتار است

المنظرة سهم مسموم من سهام ابليس

دیدن زلف و خال نا محرم دانه کید و دام تلیس است
هر نظر ناو کیست زهر آلود که زشست گمان ابلیس است

لا يشبع المؤمن دون جاره

هر که در خطه مسلمانی باشد از نقد دین کرانمایه
کی پسندد که خود بخشد سیر بنشیند کر سینه همسایه

دم على الطهارة يوسع عليك الرزق

ای کز آلودگی تو شب و روز فاقه و فقر تو زیاده شود
بی طهارت مباش تا بر تو روزی تنگ تو کشاده شود

تحت هذه الاربعين بتوفيق رب العالمين

رباعی

اربعینهای سالکان جامی هست بهر وصول صدر قبول
نبود از فضل حق غریب و عجیب که بدین اربعین رسی بوصول

قطعه

هست این اربعین کلام نبی که شده کل ما خلق خلعت
هر که این را شعار خود سازد یا بد اندر جهان بسی عزت

سنه ۸۸۶

نوائی نک ترجمه سی

بسم الله الرحمن الرحیم

حد آکا کیم کلام خیر مال	قلیدی ایل کا رسولدین ارسال
اول رسولی که هم کلامی فصیح	ایل کایتکورددی هم حدیث صحیح
جل ذکره زهی الله رفیع	عز قدره زهی رسول شفیع
چون صفا اهل پاك فرجامی	پاك فرجام و پاك فرجامی
اول یقین ساری دستگیر منکا	قبله و اوستاد و پیر منکا
چونکه هجریدین ایل آراسیداسوز	سکسان آلتی یدی وسکز یوز
کیم ینه تحفه عیان قیلدی	تحفه یوق طرفه بیان قیلدی
او قوغاندا بخاری و مسلم	قرق سوز بارجه شهبدن سالم
نثر ایله نظم فی مرکب ایقب	فارسی نظم ایله مرتب ایقب
اربعینی چیقاردیم جانلار	بلکه یوز اربعین چیقارغانلار
تاچی لار آنده نشئه مقصود	اربعین دین نیچون کیم اهل شهود
فارسی دانلار ایلابان ادراک	عاری ایردی بو نفع دین اتراک
ایستادیم کیم بو خیل هم باری	بولماغای لار بو نفع دین عاری
مین دعا کن چو مدعا ایلاب	اول اجازت بریب دعا ایلاب
مدعا چون باری صواب ایردی	بیر دعا قیلدی مستجاب ایردی
بیر ایکی کون اهتمام اتمدم	کوز توتار دین برون تمام اتمدم

بار امیدم که شاه شرع آیین که نبی شرعیغه ویرر تزیین
چون بواوراق ساری سالغای کوز ایلا کای کوکینه اثر باری سوز
نژدین داغی بهره ور بولغای نظم دین داغی بر خبر بولغای
بوکون اولسه حدیثلارغه مطیع تانکلا بولغای محدث آکا شفیع

لا یؤمن احدکم حتی یحب لایخیه مایحب لنفسه
مؤمن ایرماس دوررکه ایماندین روزکاریده یوز صفا کور کای
تا که قرداشیغه روا کورماس هر نه کیم اوزیکا روا کور کای

من اعطی الله ومنع الله واحب الله وابغض الله فقد استکمل ایمانه
کیم کا کیم حب وبغض ومنع عطا حق اوچون بولدی جزم بیل آنی
کیم ایرور تینکری لطفیدین کامل اهل ایمان قاشیدا ایمانی

المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده
کیم مسلمانلیغ ایلسا دعوی چین ایماس کر قیلور فدا جانلار
اول مسلماندررکه سالمدر تیلی دین ایلکیدین مسلمانلار

خصلتان لایجتعمان فی مؤمن البخل وسوء الخلق
مؤمن ایرسانک قلیب درونکنی نثار ایل بیلا روشن اول یچوک کیم شمع
نیکا کیم تینکری هیچ مؤمن دا بخل و بد خو یلغنی قیلما دی جمع

یشیب ابن آدم ویشب فیه خصلتان الحرص وطول الامل
آدمی غه اکرچه واقع در قاریغان سایی بارجه ایشده خلل
ایکی فعلی ولی یکیت راک اولور بری حرص و بریسی طول امل

من لم یشکر الناس لم یشکر الله
اول که خالق غه شکر دیر اول شا کر اولماق کیراک خلایق دین
کیم که مخلوق شکرینی دیما کای دیما کای شکر داغی خالق دین

من لایرحم الناس لایرحمه الله
تینکری دین رحم اکر طمع قیلسانک اول اولماق کیراک سین ایل کا رحیم
هر کیشی کیم الوس غا رحم ایتماس انکا رحم ایتماس رحیم و کریم

الدنيا ملعونة وملعون ما فيها الا ذكر الله تعالى

دینی و هرنی آندادور موجود یولدی حق لغتی گرفتاری
غیر حق ذکر کی کیم ایدور ذا کبر تینکرینک رحتی سزاواری

لعن عبدالدينار لعن عبدالدرهم

رحمت آزاده در کیم اول آلماس دینی و درهمین جوی غم غا
لیک لعنت آکا که قول بولغای خواه دینار و خواه درهم غا

لا یلدغ المؤمن من حجر واحد مرتین

ای که بر نیش تی موزیدین کونکلو نکا نیجه اوز یسایاتلا
چونکه مؤمن کاتیکمادی هرکز بر تیشوک دین ییلان ایکی قاتلا

العدة دین

کیم که هر کیم کا وعده قیلدی شرط ایرور وعده وفا قیلماق
وعده کیم قیلدینک ایلا دور کیم دین فرض دور دین فی ادا قیلماق

المجالس بالامانة

قایسی مجلس دا کیم ایشیتینک سوز بیل که اول سوز سکا امانت ایرور
کرا آتی اوزکا یرده نقل ایتسانک اول امانت غه بو خیانت ایرور

المستشار مؤمن

هرکشی کیم بر اونی محرم اتیب مشورتده امین راز ایتدی
کریاشوردی بیلیب صلاح سوزین اوزینی قلب و حیل ساز ایتدی

السماح رباح

مال بذل ایله سودا کر تیلاسانک عاقبت چون اولوم ایرور موجود
اسراغان قالدور اول که بذل آتینک سکا همراه بارور آتینک سود

الدین شین الدین

اهل دین اولدررکه قیلغای ادا باتا کر ذمتیدا دین اولغای
دین اداسی چو دین علامتی در بی ادالیقده دین شین اولغای

القناعة مال لا ينفد

حرص دین کج کیل اول غمی دور کیم حد و غایت اکا ایماس پیدا
توت قناعت که اول ایرور مالی که نهایت اکا ایماس پیدا

الصباح تمنع الرزق

صبح او یقوسین اول که ایلا دی ترک رزق یوزین اوزیکا توش کوردی
اول که غفلت دین ایتی خواب صبح بوشرف نی مکر که توش کوردی

آفة السامح المن

هر کیشیکا رعایتی قیلسانک منت اوتکار مکیل کاینک غا
نیکا کیم اول کرم غا آفت در بوکلا منت و لیک جانینک غا

السعيد من وعظ بغيره

ایل کافی کیلسا ایلاماس پروا اول که کوکلینی قیلدی غفلت بند
کیم که پند آلدی ایل کاتوشکاندین آنی بیل کیم ایرور سعادت مند

کفی بالمرء اثماً ان يحدث بكل ماسمع

بو یازوق بس کشی کا کیم ایلدین هر نی سوز کیم ایشندی فاش ایتی
تاغ ایشتکاتی دیر کنهای دین کوییا تینکری آنی طاش ایتی

کفی بالموت واعظاً

واعظینک بس اتا انا اولومی کیم الارجا سنکا ایرور ناصح
واعظی هم ایتور و قیلاماس ایرور اول واعظینک مونکا راجح

خير الناس انفعهم للناس

خلق آرایخشی راق دیدینک کیم دور ایشیتیب شبهه ایله دفع آندین
یخشی راق آنی بیل اولوس آرا کیم کوپ راک اولغای اولوس کافع آندین

ان الله يحب السهل الطلق

حق سیوکای ایل بیلا بولسانک تیل و کونکلو کنی بر قیل یک روی
نکته سورسانک شکفته و خندان زشت قیلسانک کشاده و خوش خوی

تهادوا تحابوا

دوست لاشینک هدیه لر بریشیب بهره تا بقای خرد عطیه سیدین
خود جهان دا عطیه بارمو یحشی راق دوست لوق هدیه سیدین

اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه

ای که بر ایشده حاجتک بولسا یحشی یوزلو کدین ایستا بخشایش
تا که بخشایشی دین اول راق کورما کای دین یتشکای آسایش

زرغباً تزدد حباً

بر برین دوست لارا کر که که کور سالار دوستلوغ بولور غالب
شوقدین اختلاط اولور مطلوب وصل اوچون آرزو بولور طالب

طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس

ای خوشا اولکه عیب کورمک ایلا یوز هنرور مهرا تبین تابقای
یعنی اوز عیبی پرده سی کورکای اوزکا ایل عیبی چهره سن تابقای

الغنی الیاس مما فی یدی الناس

بایلیق ایستاسانک ایل ایلکیندین هرنی کورسانک باریدن اول نومید
بوغنی بس که خلق دین کچون توتسانک امید حقدن اوق جاوید

من حسن اسلام المرء ترک ما لایعینه

کیم که اسلام کوز کوسیدا تیلار هر نفس اوزکا بر صفا موجود
کچسون اول نوع بارجه ایشدین کم یتنکری راضی ایماس اولوس خشنود

لیس الشدید بالصرعة انما الشدید الذی یملك نفسه عند الغضب

ایماس اول پهلوان که اوز قدرین باش اوزا ایلبتان نکون قیلغای
پهلوان آنی بیل که یتسا غضب نفس اماره فی زبون قیلغای

لیس الغنی عن كثرة العرض انما الغنی عن النفس

بای ایماس اولکه مال کثرتیدین کورما کای فاقه وطلب رنجین
بای آنی بیل که یتنکری برمیش آنکا نفس مطلوبی ترکینیک کنجین

الحزم سوء الظن

حزم باعث دورر آنکا که مدام
کیشی اول ساری بدکان بولغای
دایما احتیاط ایتار اکا کیم
کیدلاردین آنکا امان بولغای

العلم لا یجحل منعه

ای خرد مند عالمی که سنکا
علم دین روزی ایلادی صانع
کیشی اورکانسا قیلما غیل محروم
یا که نفع آلسه بولما غیل مانع

الکلمة الطيبة صدقة

یخشی سوز بیرلا حاجت اهلین سور
برماسانک یخشی طعمه دین نفقه
نی اوچون کیم رسول قولی بیلا
یخشی سوز باردور ایلا کیم صدقه

کثرة الضحك تيمت القلب

اسروکوب کولما کیم اولارایر میش
زنده دل کونکلی کولکوکثرتیدین
هرنی هر کیم که بیلدی کونکلی بیلا
کولما کای اولسا کولکوکو حسرتیدین

الجنة تحت اقدام الامهات

آنالارنینک آیاغی آستیدا دور
روضه باغی وصالین ایستارسک
روضه جنت و جنان باغی
بول آنانینک ایاغی توفراغی

البلاء مؤکل بالمنطق

دیدى کوپ سوزلا کان خطا کوپ ایتار
اول که دیرلار آتی ولی الله
هر بلا کیم یتار ایزور سوز دین
بیلا حکم ایلادی نبی الله

النظرة سهم مسموم من سهام ابليس

سالمانکیز کیمکا بولسا نامحرم
کریچه نفسینک کورار نظاره ده سود
هر نظر کیم حرام شیطان نینک
ناوکی در ولیک زهر آلود

لا يشبع المؤمن دون جاره

کیم که مؤمن دوررقاچان چداغای
که اوزی توق و قوشنی بولغای آج
انکا داغی کیراک یتورسه نصیب
خوانی دا کر کلاج و کر اوماج

دم علی الطهارة توسع عليك الرزق

کر همیشه طهارتینک بولسا
ارینای فاقه چرکی اول سودین
ظاهر اول ایستاسانک فزون روزی
خاسر اول کیم پیتوردی اول سودین

ضامه کلام

ای که شخصینک فی خالق فتاح
دیدی خیرت اربعین صباح
ایرور اول اربعینینک اول حال
ایلا بو اربعین بیلا اعمال
کیم بو نوع ایکی اربعین موجود
بولسا شایدکه تاقاسین مقصود
یتسا مقصود مدعا بیرلا
مینی یاد ایتکاسین دعا بیرلا
که نوابی غه اول دعا یتکای
بلبل روحی غه نوا یتکای

«نابی» نیک ترجمه سی

کرچه حدّ دکل بنم نابی
شرح آثار سید عالم
لیک بندن مقدم اولمشلر
نیجه لر داخی جبهه سای قلم

بسم الله الرحمن الرحيم

لایؤمن احدکم حتی یحب لایخه ما یحب لنفسه
دیدی فخر الرسل دکل مؤمن
او کسان کم روز بی صدق وصف
کوردی نفسه کوردکن لایق
من اعطی لله ومنع لله واحب لله وابغض لله فقد استکمل ایمانه
اولور اول کیمسه کامل الایمان
کاوله بی خوف و بی امید ورجا
ایتدیکی حب و بغض و منع عطا
اوله لله جمله حائده

المسلم من سلم المسلمون من ید ولسانه

مسلم اول کیمسه در حقیقته
ایتموب کسب جرم بیهوده
فعل و قول ید و لساندن
مسلمون اوله جمله اسوده

خصلتان لایحتمعان فی مؤمن البخل وسوء الخلق

طبع مؤمنده اجتماع ایتمز
ایکی خصلت که پست خصلتدر
طبع ایمانه نا موافقدرد
خوی بد پیری بری خستدر

یشیب ابن آدم ویشب فیه خصلتان الحرص وطول الامل
طرفه در طینت بنی آدم
کرد حرصیه آنده تازه نور
بولدیغجه بنای عمری خلل
رشته عنکبوت طول امل

من لم یشکر الناس لم یشکر الله

جمله نعمت جناب حققدر
هرکیمک دستی ایله بولسه وصول
ایلیان شکر ناسدن اعراض
شکر حق ادادن ایندی عدول

من لا یرحم الناس لا یرحمه الله

حکم میزان عدل ربّانی
نه روا ظالمه ایده حرمت
ناسه رحم ایتیمان بد آینه
ایلز حضرت خدا رحمت

الدنیا ملعونة وملعون مافیه الا ذکر الله تعالی

سربسر اولدی لایق لغت
جمله اجزای عالم فانی
یوق بو ویرانه ایچره مستنا
مکر الا که ذکر یزدانی

لعن عبدالدينار لعن عبدالدرهم

خالق و رازق زمین و سما
رزقک احسان ایدرکن ای مغبون
زر و سیمه پرستش ایلهینه
نه روا در که دینیه ملعون

لا یلدغ المؤمن من حجر واحد مرتین

دام مکرینه دوشمه ایلسه ده
خصم دیرین تملقات اظهار
کهنه سوراخدن اومارینه
مؤمن اولنز کزیده دیکر مار

العدة دین

ایتدیکک وعده یه وفا ایله
که وفا احسن خصائلدر
ذمت صدقه دیندر وعده
خلف وعد اقیح رزائلدر

المجالس بالامانة

ای اولان محرم مجالس انس ایتمه نقل سخن که آفتدر
حقه در حلقه مجالس ناس آنده کی در راز امانتدر

المستشار مؤتمن

مستشار ایتدیک کمسنه اگر سندن ایلرسه راه خیری نهان
سکا نسبت خیانت ایتمش اولور اولسه ده خلقتنده اهل امان

السباح رباح

حق بودر کم صفات علیادر جود و عفو و سباح و لطف و کرم
نه شرفدر بوکون اولوب ممدوح اوله سن روز حشرده خرم

الدين شين الدين

ایتمه آرایش مجنازی ایچون کردن برزمان اسیر دیون
روی دینی اولور خراشیده نیجه دینه کیم اولورسه زیون

القناعة مال لا ينفد

داده حق ایله اولان خرسند داور ملک استراحتدر
بر توکنمز خزینه استرایسک بیل که کنجینه قعاعتدر

الصبرة تمنع الرزق

کسب ارزاق ایچون سحرخیزی بشقه بر نعمت آهیدر
مانع کسب نعمت دارین لذت خواب صبحکاهیدر

آفة السباحة المن

مرهم اندوده سما حثکی زحم متله ایتمه آزرده
یاد بدخیز نسیمدن اولور برک کلزار لطف پرمرده

السعيد من وعظ بغيره

اودر اهل جریده سعاد که اولوب کندی حاله خرسند
دل آگاه و چشم عبرته غیرینک جالی اوله نسخه پند

کفی بالمرء ائماً ان یحدث بکل ماسمع

آدمه اول کناء کافیدر که ایدیه هر نه کوش ایدرسه بیان
ایده مهمان خانه کو سن رابض اسب تندخیز زبان

کفی بالموت واعظاً

موتی یاد ایله وعظ استرایسک ایولکن قناسن استشعار
هربری بر لسان موعظه در حال کونی بیانه سنک مزار

خیر الناس انفعهم للناس

خیر ناسه مرادک ایسه وقوف خیر ناسک حدیثن ایت اذعان
خیر اولدرکه جمله دن افرون اوله خلق جهانیه نفع رسان

ان الله یحب السهل الطلق

حق تعالی سور او بنده نی کم سهل طبع و کشاده خاطر اوله
اولیوب بدخوی و چین جین خنده رولقله خلقه ناظر اوله

تهادوا تحابوا

ایلک آمد شد هدایایی مزرع حبه مایه بخش نما
سن درختانه صو ویردکجه اوده نوباوه لر ایده اهدا

اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه

خوب رولردن ایت توقع خیر کمسه دن اولسنه حاجتک مطلوب
مصدر اولمغله خیره شاهددر صورت حسندار و منظر خوب

زرغباً تزدد جاً

دوستانک میانه سنده اولور صحبت متصل کلال انکیز
فاصله تازه شوق ایدر ایراث صحبت غب اولور محبت خیز

طوبی لمن شغله عیه عن عیوب الناس

دولت آنک که بزم عالمده ایلیوب کندو حاله دقت
کندو عین تجسس ایندن بولیه غیره باقغه فرصت

الغنى اليأس ممافى ايدى الناس

بولامزسك غناى طبعه ظفر كنچ يأس اولدجه سكا مقرر
اولامزسك غنى حقيقتده غيردين ايتدجه قطع نظر

من حسن اسلام المرء ترك ما لا يعنيه

قول وفعلكده ترك بي معنى حسن اسلامدن اولوندى شمار
اكا سى ايت كه قوليله فعلك دينكه اوله زينت رخسار

ليس الشديد بالصرعة انما الشديد الذى يملك نفسه عند الغضب

پهلوان اول دكل كه كشيده خصمنه غالب وبهادر اوله
پهلوانلق اودركه وقت غضب ضبط نفس شديده قادر اوله

ليس الغنى عن كثرة العرض انما الغنى غنى النفس

مالى ظن ايتمه مائه دولت مالى بيسار اولانى صامه غنى
غنى اول كمسه در حقيقتده ذل خواهشدن اوله مستغنى

الحزم سوء الظن

معنى حزم واحتياط حذر دقت اولنسه بدكلانلقدر
اتباه بصيرت اوزره سلوك خرمن امنه پاسبانلقدر

العلم لا يحل منه

پرتوى دوى آفتاب كي علمك اولمز دريغ ومنع حلال
تشنكانه سحاب دانشكي ايتمه فيض افاده ده اهمال

الكلمة الطيبة صدقة

سائلك سرمة بصر ايله چشم اميدى ايتدكه قرير
بارى ويرانه زار خاطر ايله طيب كلامله تعمير

كثرة الضحك تيمت القلب

كرچه امواجي جويبارك اولور باعث ارتجاج سبزه ورنك
ليك موج مسلسل خنده قلبى ايلر غريق لجه مرك

الجنة تحت اقدام الامهات

نیل کلکشت کلستان بهشت زیر پای رضای مادر در
کردن جانده حق تربیتی نعمت جتنه برابر در

البلاء مؤکل بالمنطق

صورت و معنی لسانمه لفظ مفتاح بالمطابقه در
روی انسانه درکشای بلا باقسه اکثر کلید ناطقه در

النظرة سهم مسموم من سهام ابليس

روی خوبانه نظره ناکاه ناولک زهر ناک شیطاندر
رخ نامحرمه نگاه ایتک آتش خامان ساماندر

لايشع المؤمن دون جاره

هرکیمک کا وله خوان قلبنده نان اسلام و نعمت ایمان
نیجه لایق که کندوسی یاتوب جوع هم سایه سن کوره شایان

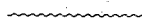
دم على الطهارة توسع عليك الرزق

مؤمنینه دوام طهور له در وسع ارزاقه کسب استحقاق
اولدی چرکدن طهوره وابسته فتح باب خزائن ارزاق

تاریخ انشاء — رباعی

سال تاریخی رباعینک پرسش ایچون کشاد ایدنجه لی
بری شرط ذکاتله نالی دیدی کم «شرح چل حدیث نبی»

سنه ۱۱۲۴



« منیف » ک ترجمہ سی

بسم اللہ الرحمن الرحیم

لا یؤمن احدکم حتی یحب لایہ ما یحب لنفسہ
 مؤمن اولئز او کیمسہ ہر تقدیر بولسہ حسن عملدہ عمری فنا
 ہر نہ ایسترسہ نفسنہ تا کیم انی اخوانہ داخی کورہ سزا

من اعطی اللہ ومنع اللہ واجب للہ وابغض اللہ فقد استکمل ایمانہ
 اول کہ حق اولہ مطلقا قصدی حب و بعض ایلہ منع واعطادہ
 نقد ایمانی بولور کامل او محک قبول مولادہ

المسلم من سلم المسلمون من لسانہ ویدہ
 مؤمن اولدرکہ کسہ هیچ آندن نفرت ایتیمہ لر دل و جانلر
 یا لندن یا خود دلندن آنک ہر کز اینجیمہ مسلمانلر

خصلتان لا یجتمعان فی المؤمن البخل وسوء الخلق
 دو کواہ رسوخ ایماندر مؤمنہ حسن خلق وبذل کرم
 آنک ایچون درون مؤمنہ بخل و بد خوئی اولہ من باہم

یشیب ابن آدم ویشب فیہ خصلتان الحرص وطول الامل
 قیل بوکا عطف کوش ہوش بودر مقتضای حدیث مصطفوی
 آدم اولدقچہ بیر آندہ اولور حرص و طول امل جوان قوی

من لم یشکر للناس لم یشکر اللہ
 التزام شروط احساندر مقتضای جزاسی احسانک
 مطلقا ترک شکر یزداندر بیلمہ مک شکر نعمت خلقی

من لا یرحم الناس لا یرحمہ اللہ
 مرحمت قفل باب رحمتدر ایلہ ہر دم کشادینہ اقدام
 خلقہ بی رحمتکہ وضع ایدنہ رحمت ایتمز جناب رب انام

الدنيا ملعونة وملعون ما فيها الا ذكر الله تعالى

دار دنياده هر نه کیم واردر جمله آماج تیر لغتدر
ذکر خلاق لم یزل آنجق سبب فیض قرب رحمتدر

لعن عبدالدينار والدرهم

لطف عالم شمول مولادن بهره ور کرچه سرتر عالم
دوردر ليک رحمت حقندن عبد دينار وبنده درهم

لا يلدغ المؤمن من حجر واحد مرتين

طوتمه هر کنز مدار چشم وفا اوله يارک سنک جفاکارک
حجر واحدندن اولدی عاقل ايکی کره کزیده سی مارک

العدة دين

هر نه کم اوله زیور نطقک آنی اجرایه اول نسق پرداز
فرضدر ذمت کرامده وعد آنی فرض اولدی ایلک انجهاز

المجالس بالامانة

ای اولان محرم مجالس انس راز مجالس سکا امانتدر
حفظ راز محافل ایت زیرا کشف راز ایلک خیانتدر

المستشار مؤتمن

ایتمه هر شخص ناملایمی سن محرم استشاره ایله حذر
مستشار اوله مؤتمن تا کیم اولیه رهنمای صوب خطر

السباح رباح

ای اولان کارگاه عالمده طلب دستمایه اعمال
ایستر ایسک فوائد دارین ایت نقود سماحتی اعمال

الدين شين الدين

نچه سخکیر دینه اسیر اوله وار ایسه دبنده تمکینک
صاقین اوساخ دیندن زنهار لکه دار ایتمه جامه دینک

القناعة کنز لا ینفد

تا بکردن اولور غریق نعم ینہ سیر اوله من کر سنه نظر
مردہ سرمایہ قناعتدر مال بی حد و کنج باد اور

الصبحة تمنع الرزق

قسمت مردم سحر خیزک کنج غیبیدن ایرر امدادی
منع روزی و تلخی عیشہ خواب نوشین صبحدر بادی

آفة السباح المن

کشت زار فقادہ همواره اولکه تخم افکن مکارمدر
برق متدن آنی حفظ ایسون که آفت خرمن مکارمدر

السعيد من وعظ بغيره

بورصد خانہ فقادہ اودر مرد نیک اختر سعادت مند
کوروب اکدار دیکرانی چکه دیدہ اعتبارہ سرمہ پند

کفی بالمرء اثماً ان يحدث بكل ماسمع

مرد مکثاره بوکنه بسدر ای طلبکار راه رسم یقین
ایده آورده زبان بیان نه که کوش ایتدی ایسه غث و ثمن

کفی بالموت واعظا

سکا هر دم بوجوهر کلمات اولمغه زیب کوش جان بسدر
آدمه اتعاظ عبرت ایچون یالکز موت دیکران بسدر

خير الناس انفعهم للناس

خواستکاران فرق رتبہ خلق ایلسون بو عبارہ بی ازبر
خیر ناس اول که جمله خلقه غیریدن اوله نفی افزوتتر

ان الله تعالى يحب السهل الطلق

حقه خواهشکر تقرب ایسک یک دل و یک زبان و یکرو اول
ایله خلقه جبهه کی پرچین نرم خوی و کشاده ابرو اول

تهادوا تحابوا

حفظ اجزای میل چه سبب ربط شیرازۀ تهادیدر
 قیل تعاطی هدیه ایله مدام که زمام دل اعدیدر

اطلبوا الخیر عند حسن الوجوه

بوحدیث شریف ایله عمل ایت سائر امرک بوکا قیاس ایله
 بهرۀ خیر بلغۀ کرمی خوب رولردن التماس ایله

زر غباً تزدد جاً

که که ایتک زیارت احباب سبب الفت ومجبتدر
 صحبت دائمی مودت تام موجب ازدیاد الفتدر

طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس

بختیار اول کشی بصیرت ایله پیشوای هنوران اولدی
 چشمه کنندی عیبی شرمندن پردۀ عیب دیکران اولدی

الغنی الیأس مما فی یدی الناس

ایسته دایم غنای دل حقندن که غنای دل اولدی سرمایه
 ایتیموب نقد عزتک اتلاف مال دون ایله دوشمه سودایه

من حسن اسلام المرء ترک ما لا یغنیه

ایستین نخل کلشن دینک امتداد طراوتن هر آن
 هر نه کیم ناسزا و نالایق اندن اولسون همیشه روگردان

لیس الشدید بالصرعة انما الشدید الذی یملك نفسه عند الغضب

پهلوانلق دکل مصارعده ایلک شدت ایله خصمی نکون
 مرد زور آزما اودرکه ایده نفس شوخی دم غضبه زیون

لیس الغنی عن کثرة العرض انما الغنی غناء النفس

کثرت مال ایله غنا اولمز اوله کل روبراه سمیت خطا
 هرکه باریدن ایلر استمداد اوله هم راه فضل باری خدا

الحزم سوء الظن

مرد حزم آزما اوکیم اولمز هرکسه حسن اعتقاد اوزره
 احتیاط ایده هر امورنده اوله احوالی تاسداد اوزره

العلم لا یحل منه

مایہ داران دولت علمہ
اول کہ تحصیلہ اولہ خواہشکر
آنی تعلیمدر تشکر تام
آنی محروم قیلمق اولدی حرام

الکلمة الطيبة صدقة

واجب اولدی جوابی نرم ایتک
منبع علمدن ورود ایتدی
سائلہ ممکن اولسه نفقه
قول لین مقولہ صدقه
کثرة الضحك تيمت القلب

لب کشایان فرط خندہ اولان
اولہ معتاد خندہ سرشار
مردہ طبعان جھلدر اثر
کهدل زنده کی اماتہ ایدر

الجنة تحت اقدام الامهات

فائز رحمت اول کہ مادرنه
صحن کلشنسرای خلد برین
هردم اکرام و التفاتدهدر
زیر اقدام امهاتدهدر

البلاء مؤکل بالمنطق

کثرت قالہ مبتلا اوله نک
مبتلائی بلا اولان غافل
ابتلاسی عجب بلا اولدی
قیل وقال ایله مبتلا اولدی

النظرة سهم مسموم من سهام ابليس

رؤیت زلف وخال نامحرم
هر نظر برخدنک پرسمدر
دانه مکر ودام عصیاندر
بلکه زهرا به دار شیطاندر

لا يشع المؤمن دون جاره

کیم کہ اقلیم مسلمانیده
سیر نائم اولوب روا کورمز
نقد دین ایله در کرانمایه
جایع وقائم اوله همسایه

دم على الطهارة توسع عليك الرزق

شکوه سنج اوله فاقه دن مادام
اول طهارتله دائماً کاوله سک
اوله دامان جامه ک آلوده
سعه روزه ایله آسوده